**بسم الله الرحمن الرحیم**

**جلسه19- موضوع: درس خارج اصول حضرت آیت الله عندلیب همدانی - حجیت علم اجمالی تاریخ: دوشنبه 13/9/96**

**جریان اصل در اطراف علم اجمالی**

**به نظر ما در اطراف علم اجمالی برائت عقلیه جاری نیست چون قاعده ی قبح عقاب بلا بیان مربوط به جایی است که اساسا بیانی نباشد. اما اگر بیان بود علم هم بود اجمال یا تردیدی داشت، اینجا جای رجوع به خود مولاست که دائره ی مولویتش را تحدید کند نه رجوع به برائت عقلیه. اما اصول و برائت شرعیه مثل اصاله الحل، اصاله الطهاره و نیز برائت آیا در اطراف علم اجمالی جاری هست یا نه؟**

**مرحوم شیخ اعظم چنانکه نقل کردیم در اصل جریان اصل در اطراف علم اجمالی تمسکا به اصل برائت مشکلی نداشت فقط بحث تعارض صدر و ذیل روایت را مطرح کرد. این بیان مرحوم شیخ.**

**اما در برابر کسانی هستند که می گویند «کل شیء لک حلال حتی تعلم أنه حرام» اساسا در اطراف علم اجمالی جاری نمی شود. نه از راه تعارض صدر و ذیل روایت. بلکه می گویند این گونه روایات اصلا شامل علم اجمالی نیست چون شما اگر این اصل را در هر دو طرف جاری کنید، اذن در مخالفت قطعیه است و لایصدر من الحکیم و اگر این اصل را در یکی جاری می کنید اذن در تجری است فی الجمله و این هم لایصدر من الحکیم.**

**فرق بین این بیان با بیان مرحوم شیخ این است که اینها اساسا اذن در مخالفت را حتی مخالفت احتمالیه را قبیح می شمارند و می گویند لایصدر من الحکیم. اما مشکل شیخ اعلی الله مقامه تعارض صدر و ذیل است. کأنه اگر کسی این تعارض را حل کرد مشکلی دیگرنیست. بله شیخ از نظر ثبوتی باز می گفت مخالفت قطعیه قابل تجویز نیست ولی در ناحیه ی مخالفت احتمالیه سخنی نداشت. اما این بیان نه اصل را در هر دو طرف جاری می کند و نه حتی در یک طرف.**

**جواب این حرف اخیر که باز از مرحوم سبزواری است در تهذیب الاصول این است که ما گفتیم مصالح و مفاسد، کسر و انکسار پیدا می کنند. مولی حق دارد مفاسد ترک امرش را ببیند. مفاسد انجام حرام واقعی را هم ببیند اما مصالح ترخیص را هم مشاهده کند نه اینکه بگوید حرام است ولی اشکالی ندارد. می گوید حرام است اما برای کسی که بدوی دارد یا شبهه ی مقرون به علم اجمالی دارد من گریبان او را نمی گیرم. کل شی لک حلال حتی تعلم أنه حرام. پس از این جهت مانعی ندارد و اسم این نه ترخیص در مخالفت قطعیه است اگر اصل را در دوطرف جاری کنیم و نه ترخیص در تجری است اگر در یک طرف جاری کنیم چون شارع آن حکم واقعی را اساسا نه در مورد شبهه ی بدویه و در مورد شبهه ی مقرون به علم اجمالی از ما نخواسته. گریبان ما را نمی گیرد آن حکم الله واقعی.**

**اما بیان شیخ: اشکال اولی که بر آن وارد است (اشکال مرحوم آخوند در بحث استصحاب) این است که شما باید همه ی روایات را ببینید. مثل رفع ما لایعلمون یا الناس فی سعه ما لایعلمون . این جا دیگر تعارض صدر و ذیل مطرح نیست. ما باشیم و این روایات چون در مورد علم اجمالی خواه ناخواه شکی هست رفع مالایعلمون جاری است. تعارضی هم بین الصدر و الذیل در این روایات دیگر نیست. اگر برفرض تعارضی بود، مال «کل شی..» است. ثانیا در همان روایت (کل شی..) هم معنای روایت این است تاوقتی شک برطرف نشده، کل شیء لک حلال. علمی که در این روایت آمده (کل ..) چه علمی است؟ علمی است که شک را از بین ببرد. حالا بگویید آن علمی که شک را از بین می برد علم تفصیلی است چون با وجود علم اجمالی هنوز شک باقی است.**

**قسمت دوم کلام شیخ: که مربوط است به کلمه ی بعینه. مرحوم شیخ اشکال و جوابی را مطرح می فمرایند و آن اینکه آن روایتی که شما مطرح کردید و تعارض بین الصدر و الذیل در آن درست کردید کلمه ی بعینه نداشت. بسیار خوب آنجا با شما همراه می شوم می گویم تعارض بین الصدر و الذیل هست. اما در بسیاری از روایات از جمله روایت مسعده بن صدقه این جور دارد «کل شی لک حلال حتی تعلم أنه حرام بعینه» این کلمه ی بعینه داد می زند که من علم تفصیلی هستم. پس دیگر تعارض صدر و ذیل وارد نیست. بعد خودش جواب می دهد که کلمه ی بعینه برای تأکید علم است. یعنی خود علم نه تمییز معلوم تا بشود علم تفصیلی. کأن امام ع فرموده «کل شی لک حلال حتی تعلم (یعنی علم غیر علم)» در این صورت باز تعارض باقی است.**

**والحمد لله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و عجل فرجهم**